روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
دوشنبه ۱۲ تیر ۱۴۰۲ • ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۳ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۹۱ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۹ • اذان مغرب ۱۹:۴۵
اذان صبح فردا ۳:۰۸ • طلوع آفتاب ۴:۵۳

روزنامه شرق

• مارگون مجموعه‌ای از آبشارهاست که در سپیدان استان فارس واقع شده و در حقیقت سرچشمه رودخانه است و در تمام ایام سال میزبان گردشگران از شهرهای مختلف کشور است.
عکس: هانا خلج/ایرنا

دیالوگ روز

چشم‌های درشت - تیم برتون -۲۰۱۴

والتر (کریستوف والتز): قضیه این چشم‌های بزرگ چیه؟
مارگارت (امی آدامز):
خب، من اعتقاد دارم که می‌شه چیزها رو در چشم‌های افراد دید.
چشم‌ها پنجره‌ای به درونت هستند.

یادداشت

پانته‌آ و صندوقچه گمشده

محمدجواد لسانی

همین چند روز پیش اتفاق افتاد؛ پانته‌آ اقبال‌زاده نویسنده، ویراستار و مترجم جوان ادبیات کودکان، سفر بی‌بازگشتی برای وداع با زندگی انتخاب کرد تا دیگران با این تصمیم شوک‌زده شوند. از شمار مهم این دیگران، مخاطبان کودک هستند که از کتاب‌های شیرین و پرماجرای او استقبال کردند. مهم‌تر آنکه پیش از این، بر جلد آن آثار پرامید، با نام گرامی پانته‌آ آشنا شده‌اند. پانته‌آ در خانواده‌ای پرورش یافت که در کانون گرم فرهنگ قرار داشت. پدرش، شهرام اقبال‌زاده، پیش‌کسوت عرصه ادبیات است. وی علاوه بر نویسندگی، به کار ترجمه آثار ادبی بزرگان ادبیات جهان نیز پرداخته است. اکنون تمامی کسانی که با ادبیات این سرزمین سروکار دارند، در ماتم ازدست‌دادن پانته‌آ، در کنار پدر، اعلام همدردی و همراهی می‌کنند. درباره نوع مرگ این بانو بحث‌هایی شده و در رسانه‌های نوشتاری و شبکه‌های اجتماعی مرکز توجه قرار گرفته و شماری از صاحب‌نظرانی که دلشان برای وطن می‌تپد، به دور از چشم رسانه بزرگ کشور، درباره این واقعه جانسوز نظراتی ارائه داده‌اند. آنچه اتفاق افتاد، دومین رخداد در نوع خود است. اینان انسان‌هایی از جنس فرهنگ هستند که به‌طور ناگهانی علاقه‌مندان خود را ترک می‌گویند. نفر اول در این مقوله، نویسنده و سینماگر حوزه کودک، کیومرث پوراحمد بود. او در بهاری که گذشت، همه دوستدارانش را در غم و داغی زودرس فروبرد. با وجود گذشتن یک فصل از رفتنش، هنوز هم خبر آن تصمیم در باورها نگنجیده است. نویسندگان درباره آن واقعه هشدار دادند که این مصیبت‌های جان‌گداز پاسخی درخور از سوی متولیان فرهنگ و هنر می‌طلبد. چنانچه اقداماتی بنیادین برای حل مسئله صورت نگیرد، شوربختانه امکان تکرار این قضایا همچنان وجود خواهد داشت. پس تا دیر نشده، برای آنکه این مرگ‌های خودخواسته تداوم نیابد، ضرورت دارد تا کارگزاران امر، ژرفنا و عواقب این زخم را دریابند و به درمانش مبادرت ورزند. البته این دو نفر، سوای مرگ‌های دیگری است که از گوشه و کنار کشور، خبر دردناک آنها به گوش می‌رسد. هنگامی که ساعات پایانی دوشنبه ششم تیرماه و شاید هم هفتم تیر ۱۴۰۲ فرارسید، زنگ خطر دیگری بود که به صدا درآمد؛ زیرا واقعه تلخی که پوراحمد در آن شرکت کرد، باز با همان انگیزه تکرار شد. پیامی که از پانته‌آ باقی مانده نشانه‌ای از عمق درد یک آدم فرهیخته است. این کنشگر فرهنگ، حرف‌هایش را در چند سطر کوتاه بیان کرده است. نکته اصلی، حس محرومیت از داشتن امید است. این همان گرانی آهی است که باید مطمح نظر قرار گیرد و با ریشه‌یابی آن بر هیمنه‌اش غلبه کرد. یک ادیب دل‌آگاه، احساسی نیرومندتر از دیگران دارد و مسائل جاری را زودتر از دیگران در اجتماع درک می‌کند. آن عامل‌ها چه چیزهایی است که او را بی‌طاقت می‌کند؟ پانته‌آ از افزایش فشارهای روحی و روانی بر خود نوشته است.

پدر این تلاشگر عرصه ادب، درباره علت مرگ پانته‌آ به دست‌نوشته‌ای اشاره می‌کند که فرزندش نوشته و در آن انگیزه تصمیم خود را نبود امید و انگیزه برای ماندن در صحنه و در نتیجه قطع تداوم حیات ادبی بر اثر دیده‌نشدن اهل قلم قلمداد کرده است. چیزی که می‌توان به چرخه اقتصاد نامطلوب در نشر کتاب و جایگاه نویسنده تعبیرش کرد. پانته‌آ اقبال‌زاده در این نامه، خطاب به پدرش وضعیت روحی خود را روی کاغذ آورده است. حرمان اجتماعی در سطر سطر نوشته به چشم می‌خورد. او ساده و بدون تکلف خطاب به پدر می‌نویسد: «... بابا برای تو می‌نویسم. پنج سالی است که از زندگی لذتی نبردم و با خودم کلنجار می‌روم...». خواهر او، پگاه اقبال‌زاده، در صفحه شخصی خود نوشته: «وقتی به دنیا آمدی مرا بردی تا آن سوی عشق. سپس رها شدم تا درد... حالا تک و تنها ماندم با کوله‌باری از خاطرات کودکی... آسوده بخواب پانته‌آی زیبای من... زین پس تمام شب‌هایم صدای گریه می‌دهد جان خواهر...» و به قول شمس لنگرودی که در رثای پانته‌آ سروده «در مرگ چه دیدی که بر ما ترجیحش دادی؟...». پانته‌آ اقبال‌زاده، مترجم آثاری بوده که مخاطب سنی نونهال با آنها ارتباط موفقی برقرار کرد و به‌طور قطع راهی هست تا کارشناسان بی‌طرف، این مسئله انکارنشدنی را بررسی کنند که چه شد این نویسنده سرشار از انرژی و امید، به این نقطه ناخواسته رسید. راه و روش‌های میان‌مدت و بلند برای دیده‌شدن اهل فرهنگ و داغ‌شدن آثار چگونه ممکن است؟ چنانچه جامعه کتاب‌خوان به نشاط دو دهه گذشته خود برگردد، به سود همه است. از شمار کتاب‌های موفق پانته‌آ اقبال‌زاده می‌توان به «طولانی‌ترین شب» نوشته ماریون دین‌باور، «خانواده خوب و تمیز مثل ما»، «بچه تمساح»، «جانمی! باز هم کلوچه‌های میوه‌ای!»، «هواپیمای آنجلا» و «شاهزاده‌خانمی با پیراهن کاغذی» نوشته رابرت ام. مانش اشاره کرد. رفتن ناگهانی پانته‌آ به رسانه دیداری و شنیداری پیام می‌دهد چیزهایی هست که چون صندوقچه‌ای دربسته، همچنان ناگشوده مانده و انسداد آن سبب بروز ناخرسندی‌ها، ناخوشی‌ها و افسردگی‌ها در صحن جامعه می‌شود. شایسته است که رسانه اصلی کشور با دگرگونی بنیادی در اتاق فکر خود و دعوت از کارشناسان مستقل و دلسوز، به وظایف حیاتی خود برگردد تا زبان گویای جوانان شود. اگر موانع دست‌وپاگیر که بیشتر سلیقه‌ای است، برطرف شود، این نسل با ظرفیت شگفت‌انگیز خود می‌تواند با کمترین هزینه، دگرگونی اجتماعی مثبتی را سبب شود و در بزنگاه تاریخی، پیشرفت و تمدن را به عزم ملی تبدیل کند. آن اقدامات شجاعانه بسان گشودن صندوقچه گمشده‌ای است که می‌تواند ایمان، امید و شور زندگی را به جامعه هدیه کند. یافتن صندوقچه یک نماد است؛ به این معنای ساده که با بهره‌گیری از افکار آزاد نخبگان، تجربه‌هایی عرضه کرد که فروبستگی‌ها و دلمردگی‌ها به هر شکل ممکن از کف خیابان‌ها شسته و زدوده شود و با ارج نهادن به ساحت فرهنگ، نور امید و طراوت لبخند به جامعه تشنه و منتظر بازگردد.

جای خالی زیرساخت‌های پایش زلزله

مهدی زارع*

در لایحه برنامه هفتم توسعه که اواخر اردیبهشت ۱۴۰۲ منتشر شد، با مرور موضوعات کلیدی برای برنامه هفتم توسعه نکته درخور توجه آن است که در این لایحه اساسا به «زلزله»، «بحران»، «سانحه» و «ریسک» اشاره نشده است؛ بنابراین موارد ذیل به نظر می‌رسد تا در متن برنامه هفتم توسعه افزوده شود.

مسئله زلزله و برنامه هفتم توسعه

در موضوعات کلیدی پیش‌نویس لایحه برنامه هفتم توسعه به نظر می‌رسد به مسئله «ایمنی در برابر زلزله و سوانح طبیعی» توجه نشده و به‌عنوان موضوع کلیدی اصلی گنجانده نشده است. بررسی وضع موجود نشان می‌دهد که پس از برنامه ششم توسعه، حتی توجه حداقل اجرائی نیز به موارد مصوب در متن برنامه ششم توسعه و مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی نشده و موارد ذکرشده تحقق نیافته است. با چنین سابقه‌ای، توجه متفاوت به مسئله زلزله و ایمنی در متن قانون برنامه هفتم توسعه ضروری است. در زلزله ۲۰۲۳ جنوب ترکیه اگر مقررات ساخت‌وساز و جوانب ذی‌ربط دیگر رعایت می‌شد، این فاجعه را در فروپاشی کامل بیش از شش هزار ساختمان چندطبقه و آسیب شدید به بیش از ۷۰ هزار ساختمان را شاهد نمی‌بودیم. در ترکیه بودجه‌ای که قرار بود به مقاوم‌سازی ساختمان‌ها در برابر زلزله اختصاص یابد، در این راه صرف نشد. یکی از مالیات‌هایی که مردم تا به امروز از طریق اپراتورهای تلفن همراه پرداخت کرده‌اند، حدود ۸۸ میلیارد لیر (۴.۶ میلیارد دلار) بوده است که به خزانه دولت واریز شده است. در ترکیه نیز مانند کشور ما مقررات ساختمانی در مناطق زلزله‌خیز به‌طور جدی رعایت نشده است و بخشودگی به صورت مقررات معمول اعمال می‌شود. این به آن معناست که نقض قوانین ساختمانی از طریق پرداخت جریمه با چشم‌پوشی مواجه شود. بسیاری از اشتباهات مربوط به مسکن، انتخاب محل برای سکونت و کیفیت ساخت بناها در بازسازی‌ها تکرار می‌شود. نقص در طراحی و انتخاب نامناسب محل و عدم درک ریسک و نبود برنامه‌ریزی لرزه‌ای در سطح ملی و محلی علاوه بر وضعیت مالی ضعیف جوامع شهری و روستایی، باعث می‌شود تا مسئولان نسبت به ملاحظات ریسک زلزله بی‌تفاوت باشند و مردم مواد ارزان‌تر و مکان‌های آسیب‌پذیر را برای سکونت انتخاب کنند. هشدار پیش‌هنگام زلزله علاوه بر ژاپن، تایوان، آمریکا، ایتالیا و مکزیک، در رومانی، ترکیه، مالزی، اندونزی و هند نیز نصب شده و در ایران ما نیز زیرساخت‌های اولیه برای برقراری سامانه هشدار پیش‌هنگام زلزله در تهران فراهم شده است. همه مردم مستحق برخورداری از زیرساخت‌هایی هستند که بر پایه علم و فناوری توسعه یافته است. این‌گونه زیرساخت‌ها قابلیت برقراری ارتباط شبکه‌ای را از طریق اینترنت دارند و مردم می‌توانند به اطلاعات تولیدشده دسترسی داشته باشند. موارد توسعه شبکه‌های پایش، هشدار و پیش‌بینی زلزله که لازم است در برنامه هفتم گنجانده شود، عبارت‌اند از:

• تعداد کل ایستگاه‌های لرزه‌نگاری باندپهن فعال ایران زیر نظر پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در ابتدای سال ۱۴۰۲ به ۳۳ ایستگاه رسیده است. افزایش این ایستگاه‌ها به ۱۱۸ ایستگاه باندپهن در پایان برنامه پنج‌ساله هفتم مورد انتظار است (نصب و راه‌اندازی سالی ۱۷ ایستگاه لرزه‌نگاری باندپهن). محل‌های نصب ایستگاه‌ها با اولویت اطراف کلان‌شهرها مانند تهران، مشهد، تبریز، شیراز، بندرعباس، کرمان، اصفهان، اهواز، زاهدان و کرمانشاه و همچنین مناطق شرقی و جنوب شرقی ایران که هنوز پوشش شبکه‌های لرزه‌نگاری کامل و کافی ندارد، پیشنهاد می‌شود.

• مرکز پیش‌بینی زلزله در پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله در پنج‌ساله برنامه هفتم موظف به راه‌اندازی پنج مرکز منطقه‌ای در تهران، مشهد، تبریز، شیراز و بندرعباس برای ساماندهی اطلاعات پراکنده مختلف در یک سامانه جامع داده‌های ژئوفیزیکی با قابلیت روزآمدشدن مداوم شود و برای تدوین و تهیه نرم‌افزار جامع برای پردازش و تجزیه‌وتحلیل این داده‌ها برای پیش‌بینی کوتاه‌مدت و میان‌مدت زلزله (برای برآورد محدوده زمان، مکان و بزرگای زلزله‌های شدید) در پایان برنامه پنج‌ساله بر پایه شبکه‌ای از ۵۰ ایستگاه ملی لرزه‌نگاری -اطراف پنج مرکز نود کشوری- مأموریت یابد.

• شبکه لرزه‌نگاری کشوری مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران متشکل از ۱۳۰ ایستگاه لرزه‌نگاری است که تجهیز و برخط‌شدن همه ایستگاه‌ها در جهت اعلان و هشدار زمین‌لرزه در کمترین زمان ممکن در پایان پنج‌ساله برنامه ممکن شود.

• برای شبکه‌های هشدار پیش‌هنگام زلزله که تاکنون راه‌اندازی نشده است، اولویت شهرهای تهران، مشهد، تبریز، شیراز و بندرعباس در برنامه پنج‌ساله پیشنهاد می‌شود؛ به نحوی که هر یک از شهرها با شبکه هشدار پیش‌هنگام زلزله با حداقل ۱۵ ایستگاه لرزه‌نگاری محلی به‌صورت شبکه برای هشدار در محدوده داخل و اطراف هر یک از این شهرها ساماندهی شوند.

• برای شبکه شتاب‌نگاری تا سال ۱۴۰۲ شبکه‌ای با هزارو ۷۰ ایستگاه شتاب‌نگاری زیر نظر مرکز تحقیقات راه مسکن و شهرسازی موجود است. این شبکه با ۵۴۷ ایستگاه میدان آزاد و همچنین ۶۵ ایستگاه مرتبط با سدها نصب شده است. در برنامه پنج‌ساله هفتم، برخط و بلادرنگ‌شدن شبکه در تهران، مشهد، تبریز، شیراز و بندرعباس در اولویت است و پیشنهاد می‌شود تا ۲۵۰ ایستگاه میدان آزاد طی پنج سال -سالی ۵۰ ایستگاه- با اولویت موقعیت کلان‌شهرها و مناطق لرزه‌خیز افزوده شود.

*** استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله**

مستندخوانی

غوغای ستارگان

نمایش فیلم مستند «غوغای ستارگان» آغاز می‌شود. این فیلم با نگاهی تاریخی به ایده، طرح و موضوع این ترانه می‌پردازد. غوغای ستارگان با مطلع «امشب در سر شوری دارم، امشب در دل نوری دارم، باز امشب در اوج آسمانم و...». از ساخته‌های شاخص آهنگ‌ساز شناخته‌شده «همایون خرم» است. در این مستند قرار است نحوه شکل‌گیری و ساخته‌شدن این تصنیف فاخر و تأثیرش در جامعه و تاریخ موسیقی و اجتماعی و سیاسی معاصر ایران بیان و روایت شود. این فیلم دربرگیرنده مصاحبه با خانواده مهندس همایون خرم، فرزانه چیذری همسر وی، رضا و هاله فرزندانش و نوا نوه او، بابک شهرکی مدرس و نوازنده ویولن، سامان احتشامی مدرس و نوازنده پیانو، علیرضا میرعلینقی پژوهشگر تاریخ موسیقی است. همچنین برای اولین‌بار و بعد از سال‌های طولانی از بانو پروین (پروین نوری‌وند) اولین خواننده این قطعه خاطره‌انگیز تصاویری با موبایل فیلم‌برداری شده است.

در این مستند فرناز گلپایگانی مدرس و نوازنده هارمونیکا ملودی این اثر نوستالژیک را هنگام شب در محوطه بیرونی تئاتر شهر اجرا کرده است. این فیلم مستند در سایت هاشور برای مشاهده علاقه‌مندان و همچنین به‌صورت دی‌وی‌دی عرضه شده است. علیرضا خالق‌وردی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی این اثر را بر عهده دارد که در تحقیق و پژوهش آن با «رضا خرم» و «محمدعرفان رفیعی» همکاری کرده است. مهدی آزادی، رضا رشیدی‌فرد، محمدرضا شعبانپور و محمدمهدی جسمانی فیلم‌برداری آن را بر عهده داشته‌اند و صدابرداری آن را «علیرضا قناتی» و تدوین آن را «شیدا گرجی» انجام داده‌اند. ساناز جهان‌آرایی، سمانه جویا، طاهره حبیب‌الله، سوسن سامانی‌فر و مسلم دهقانی نیز در ساخت و تهیه آن همکاری کرده‌اند.

هنرخوانی

مرگ یک نقاش

ایسنا از فوت «خسرو حسن‌زاده» خبر داده است. او بیش از یک هفته در کما بوده است. خسرو حسن‌زاده به‌عنوان نقاش، هنرمند نمایش‌های چیدمانی و بازیگر شناخته می‌شد که در سال ۱۳۴۲ در تهران متولد شده و در رشته نقاشی دانشگاه آزاد ادبیات فارسی تحصیل کرده بود. او فعالیت حرفه‌ای خود را در دهه ۷۰ شروع کرد. آثار این هنرمند در کشورهای بسیاری به نمایش درآمده و تاکنون در نمایشگاه‌های گروهی و فردی بسیاری در سراسر جهان شرکت کرده است. حسن‌زاده در سال ۲۰۰۳ با بورسی از سیته به پاریس رفت و نمایشگاه‌های فردی و جمعی زیادی در شهرهای لندن، پاریس، بیروت و دوبی برگزار کرد. برخی از آثار او در بریتیش‌میوزیم، موزه هنرهای زیبای لس‌آنجلس، موزه هنرهای زیبای هیوستون، موزه آقاخان تورنتو و موزه هنرهای معاصر تهران نگهداری می‌شود. امیر راد، رئیس هیئت‌مدیره انجمن نقاشان، در گفت‌وگویی با ایسنا ضمن تأیید خبر درگذشت این هنرمند اظهار کرد: «مطلع شدیم که خسرو حسن‌زاده در یکی از بیمارستان‌های تهران درگذشت. ایشان حدود یک هفته یا کمی بیشتر در بیمارستان بستری بودند و ظاهرا هم در این مدت در کما بودند». پیش از این در فیلمی با عنوان «نقاشی کن!» که «مازیار بهاری» در سال ۱۳۷۸ ساخته است، به زندگی «حسن‌زاده» اشاره شده که در کنار کار هنری به میوه‌فروشی در خیابان شهرستانی در نزدیکی میدان امام حسین مشغول بود.

خبرخوانی

عکاس و خبرنگار «شبکه شرق» رتبه برتر آسیا شدند

جوایز پنجمین دوره مسابقات انجمن جهانی ورزشی‌نویسان اهدا شد و خبرنگار «شبکه شرق» در بخش ورزشی‌نویسان آسیا رتبه دوم را دریافت کرد و عکاس «شبکه شرق» به مقام سوم آسیا رسید. در این همایش و اهدای جایزه، مستند تهیه‌شده از سوی شقایق آسیایی، خبرنگار «شبکه شرق»، از سوی انجمن جهانی ورزشی‌نویسان به‌عنوان دومین مستند برتر آسیا معرفی و از او تقدیر شد. در جریان برگزاری این همایش، اعلام شد جمهوری اسلامی ایران از حیث کیفیت کارهای ارسال‌شده به این انجمن، در رتبه اول آسیا قرار گرفت. در بخش کمیت و تعداد کارهای ارسال‌شده به AIPS نیز کشور هند به مقام اول دست یافت. در جریان این همایش، مستند «تاریخ مطبوعات ورزشی ایران» که از سوی شقایق آسیایی تهیه شده است، به عنوان دوم در قاره آسیا دست یافت. او همچنین در بخش فیلم‌های کوتاه با تهیه مستند «لیدر زن فوتبال» به رتبه نهم آسیا دست یافت. این مستند کوتاه در قالب «برداشت» در «شبکه شرق» منتشر شده بود. برداشت هشتم درباره «سیده‌شهناز رحمانی»، لیدر تیم ملی و استقلال بود که اول تیر سال ۱۴۰۱ پخش شد، او در آنجا اعلام کرد آرزویش این است که همراه بقیه زنان در ورزشگاه فوتبال ببیند. انجمن ورزشی‌نویسان، AIPS، همچنین در بخش عکاسی «حرکت ورزشی»، عکس پرتو جغتایی را به عنوان سومین عکس برتر آسیا معرفی و از این عکاس ایرانی تقدیر کرد.

جهان‌خوانی

۴۰۰ صفحه تحقیق درباره اسلام‌هراسی در آلمان

این روزها در سوئد بحث آتش‌زدن کتاب آسمانی قرآن از سوی افرادی افراطی مطرح است که متأسفانه از سوی برخی مسئولان این کشور و اروپاییان به‌عنوان نشانه‌ای از آزادی بیان شناخته شده است. درحالی‌که قرآن‌سوزی مصداق قطعی ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی مدنی و سیاسی در منع ایجاد کینه و تنفر ملی، نژادی یا مذهبی است و باید محکوم شود. یک مسیحی عراقی این اقدام شنیع را مرتکب شده و مسلمانان هم‌وطنش خشمگین از این رفتار افراطی در عراق، به سفارت سوئد حمله کرده‌اند. مسلمانان در دیگر کشورها نیز در اعتراض به این مسئله تظاهرات اعتراضی برپا کرده‌اند. همچنین کشورهای اسلامی می‌خواهند نشستی را به ریاست عربستان برپا کنند. هرچند فردی که کتاب مقدس قرآن را آتش زده است، اعلام کرده در ۱۰ روز آینده این کار را دوباره تکرار خواهد کرد. متأسفانه این توهین‌ها به عقاید انسان‌ها گاهی در نقاط مختلف جهان شکل می‌گیرد و موجب تحریک دیگران می‌شود. «سابین کینکارتز» مقاله‌ای در خبرگزاری دویچه‌وله درباره اسلام‌هراسی آلمانی‌ها منتشر کرده است. او در این مطلب گزارشی از تحقیق ۴۰۰ صفحه‌ای در این زمینه ارائه داده است. این گزارش از طریق کارشناسان مستقل بررسی دشمنی علیه مسلمانان (UEM) انجام گرفته و در دو روز گذشته منتشر شده است. این کارشناسان گزارش نهایی خود را با عنوان «اسلام‌هراسی - ترازنامه آلمان» منتشر کرده‌اند. سؤال اصلی تحقیق این بوده است که کینه، نژادپرستی و تبعیض علیه ۵.۵ میلیون مسلمان آلمان چه اندازه رواج دارد؟ یافته‌های این تحقیق تصویر تیره‌ای را از این وضعیت نشان می‌دهد.

انگیزه تحقیق

جرقه آغاز این تحقیق پس از آن روشن شد که تظاهرات معترضان علیه یک مسجد جدید در مولهایم در سال ۲۰۲۰ برپا شد و خشونت گسترده‌ای را به همراه داشت. حتی در یک مورد ۹ زن و کودک مسلمان با تیراندازی کشته شدند. این اتفاق درحالی رخ داد که صدها مسجد در سراسر آلمان وجود دارد؛ اما در اغلب موارد ساخت آنها با اعتراضات علیه مسلمانان همراه است.

شورای کارشناسی پس از حمله نژادپرستانه در هانائو در سال ۲۰۲۰ انتخاب و مأمور انجام این تحقیق شد. این ۹ نویسنده در بیش از ۴۰۰ صفحه، جامعه را براساس مطالعات علمی، آمار جنایات پلیس و مستندسازی حوادث نژادپرستانه ضد مسلمانان از سوی آژانس‌های ضد تبعیض، مراکز مشاوره و سازمان‌های غیردولتی توصیف می‌کنند. جلوه‌های آن را طبق این تحقیق می‌توان به‌عنوان یک واقعیت روزمره مشاهده کرد؛ به طوری که از هر دو نفر در آلمان یک نفر با اظهارات علیه مسلمانان موافق است.

تبعیض تا حد خشونت

محققان «اسلام‌هراسی» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «انتساب ویژگی‌های گسترده، عمدتا تغییرناپذیر، متحجرانه و تهدیدآمیز به مسلمانان و افرادی که مسلمان تلقی می‌شوند». به‌این‌ترتیب «آگاهانه یا ناآگاهانه، دشمنی یا حتی غریبگی» ساخته می‌شود که منجر به فرایندهای طرد اجتماعی و تبعیض چندلایه می‌شود تا آنجایی که در مواردی منجر به استفاده از خشونت می‌شود. از سال ۲۰۱۷، جرائم صراحتا اسلام‌هراسانه به‌طور جداگانه در آمار جنایات پلیس ثبت شده است. از آن زمان تاکنون سالانه ۷۰۰ تا هزار مورد توهین، تحریک و تهدید، خسارت مالی و صدمات خطرناک بدنی ثبت شده است. این تحقیق همچنین نشان داده که در سراسر جامعه آلمان، مسلمانان [از سوی غیرمسلمانان] به‌عنوان افرادی که امکان همراهی با جامعه را ندارند، شناخته شده‌اند و همچنین تمایل به فاصله‌گرفتن آگاهانه دارند و از تماس با افراد دیگر مذاهب اجتناب می‌ورزند. زنان مسلمانی که روسری به سر دارند، گزارش می‌دهند که اغلب آماج دشمنی عمومی قرار می‌گیرند. همچنین در بین مردم آلمان این اعتقاد گسترده شکل داده شده است که مردان مسلمان به خشونت، افراط‌گرایی و ارزش‌های مردسالارانه علاقه دارند.

اسلام‌هراسی احزاب سیاسی

این تحقیق همچنین به جایگاه و تأثیر احزاب سیاسی آلمان بر گسترش اسلام‌هراسی نیز می‌پردازد. حزب راست افراطی پوپولیست آلترناتیو «یک برنامه آشکارا ضد مسلمانان» برای آلمان دارد. در تعداد دیگری از احزاب «خصومت پنهان با مسلمانان» را به‌عنوان بخشی از ملت یا فرهنگ آلمان می‌دانند. «نانسی فایزر»، وزیر کشور، یافته‌های این گزارش را «تلخ» توصیف می‌کند و تأکید دارد که تقریبا ۵.۵ میلیون نفر از مذهب و فرهنگ مسلمان، شهروندان آلمان هستند. فایزر گفت: «زندگی مسلمانان بخشی طبیعی از آلمان است. ما می‌خواهیم همه افراد در جامعه متنوع ما از فرصت‌ها و حقوق یکسانی برخوردار باشند».

توصیه‌های کارشناسان

کارشناسان توصیه‌های متعددی دارند: اول اینکه همه مردم و سازمان‌ها در کشور در رفع این نگاه نژادپرستانه به مسلمانان همبستگی نشان دهند. آنها انتصاب یک مسئول ویژه را برای مبارزه با خصومت با مسلمانان پیشنهاد می‌دهند و توصیه می‌کنند که شورای دائمی کارشناسان در این زمینه تشکیل شود. آنها همچنین می‌گویند که باید سرمایه‌گذاری بیشتری برای ایجاد و گسترش مؤسساتی که شکایات را ثبت می‌کنند، صورت گیرد. همچنین آنان پیشنهاد اصلاح کتب درسی را داده‌اند. کنفرانس وزیران فرهنگ از کارشناسان می‌خواهد تا «برنامه‌های درسی و کتاب‌های درسی را در موضوعات مختلف بازنگری کنند تا محتوای ضد اسلامی حذف شود». همچنین پیشنهاد داده است در تمام نهادهای دولتی - با اهداف الزام‌آوربودن، سرمایه‌گذاری در کمپین‌های هدفمند روابط‌عمومی برای کاهش این نگاه ایجاد شود و همچنین پیشنهاد داده‌اند آموزش‌های بیشتری برای معلمان، مربیان و افسران پلیس و همچنین برای کارمندان دستگاه‌های قضائی، اداری، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی انجام شود. سازمان «کارشناسان مستقل بررسی دشمنی علیه مسلمانان» در این گزارش همچنین به کمبودهایی در صحنه هنر و فرهنگ اشاره می‌کند: به‌عنوان مثال، طبق یک تحلیل جامع از بازنمایی تصویر اسلام در فیلم‌های آلمانی‌زبان مشخص می‌شود که نزدیک به ۹۰ درصد آنها دارای سوگیری منفی هستند. این گزارش تأکید می‌کند: «تمرکز آثار فرهنگی، بر حملات تروریستی، رفتارهای رادیکال، جنگ‌ها و سرکوب زنان است و مضامینی که در فیلم‌ها پرداخته شده، به چند موضوع درگیری و بحران خلاصه می‌شود». قرار است بر اثر این تحقیق یک سمینار در پاییز برگزار شود.